انتشار کتاب های «رفاه اجتماعی، گامی به پیش» و «بهداشت و درمان کاهش تصدی گری، افزایش خدمات» از مجموعه کتاب های (کتاب دولت)

فصل رفاه و بهداشت

دولت اصلاحات پس از هشت سال کار وتلاش به کار خود پایان داد.
در این میان آنچه باید به آن توجه داشت ، چگونگی عملکرد این دولت است و اینکه وزارتخانه های دولت آقای خاتمی کار را چگونه و با چه طرح های انجام شده و یا در دست انجامی به دولت جدید می سپارند. مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران با توجه به این مهم اقدام به چاپ و انتشار سری کتاب هایی تحت عنوان «کتاب دولت» زده است که پیش از این پنج جلد از این سری کتاب ها با نام های صنعت و معدن به سوی رشد شتابان و گسترش زیرساخت های راه و ترابری و کشاورزی ، ورزش و تربیت بدنی و آموزش و پرورش معرفی شده است. به اختصار خلاصه ای از دو کتاب دیگر را پیش رویتان قرار می دهیم.

بهداشت و درمان؛ کاهش تصدی گری، افزایش خدمات

بخش بهداشت و درمان به منظور تأمین و ارتقای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی جامعه در چارچوب سیاستها و خط مشی های تعیین شده، مجموعه ای نظام یافته از فعالیت ها و عملیات اجرایی است که مهمترین آنها شامل آموزش بهداشت، پیشگیری و ایمن سازی علیه بیماریهای واگیر، بهداشت خانواده و مدارس، بهداشت و سالم سازی محیط زیست، مبارزه با بیماریها، تأمین و آموزش نیروی انسانی پزشکی و پیراپزشکی در زمینه های مختلف پزشکی است. اگرچه طبق تعریف WHO سلامت حالتی است که احساس خوشی از ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی به انسان دست می دهد و صرفاً نداشتن بیماری یا ناتوانی دلیل بر سلامتی نیست. با این حساب مسؤولیت تأمین بهداشت به معنای اخیر بسیار فراتر از وظایف یک وزارتخانه است.

کاهش تصدی دولت در بخش درمان در طول هر سه برنامه توسعه پس از انقلاب تأکید شده است و در طول برنامه سوم نیز تا حدودی این هدف تحقق یافته است. البته از آنجا که اهداف کمی تعیین شده برای برنامه سوم در بخش بهداشت و درمان وجود ندارد تنها می توان گفت حرکت مشاهده شده در طول برنامه کندتر از آن است که انتظار می رود و نشاندهنده یک تحول عمیق نیست.

در اجرای سیاست کاهش تصدی دولت در بخش، مطابق برنامه قرار بوده است که دولت تصدی خود را در درمان بستری در مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته استمرار بخشد و نیز درمان سرپایی را در مناطق شهری و روستایی به بخش غیردولتی واگذار کند، مگر در مناطقی که برای بخش خصوصی جاذبه ای ندارد. ولی واگذاریها و یا توسعه مراکز غیردولتی، یا در مرحله مقدماتی است یا اصولاً کار چندانی انجام نشده است. همچنین در اجرای این هدف قرار بود نظام کارمزدی به جای روزمزدی تدوین و اجرا شود که محقق نشده است. اما در مجموع می توان گفت دلایل بی رغبتی بخش خصوصی در سرمایه گذاری برای ارائه خدمات درمانی عمدتاً ناشی از واقعی نبودن تعرفه های خدمات، کارایی نامطلوب سیستم پرداخت های بیمه درمان، پرهزینه بودن و بازدهی نامناسب سرمایه گذاری در این زمینه و وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر و... است.

یکی دیگر از وظایف و تلاشهای بهداشت و درمان در برنامه سوم توسعه کنترل و ریشه کنی بیماریهای واگیر و غیرواگیر است که اگرچه به طور نسبی جلو بوده اما در مواردی خلاف این واقعیت به چشم می خورد. در میان این بیماریها ایدز به دلایل خاصی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به همین دلیل نیز از سال ۱۳۷۷ تاکنون برای پیشگیری و کنترل این بیماری اعتبارات خاصی در نظر گرفته شده است. مبلغ این بودجه در سال ۱۳۸۳ بالغ بر یک میلیارد تومان بود که البته متناسب با خطر تهدید کننده از جانب این بیماری نیست.

دیگر فعالیت هایی که بهداشت و درمان در برنامه سوم توسعه ارائه داده است؛ سطح بندی خدمات درمانی، نظارت بر کلیه مراکز تولید، توزیع مواد خوراکی، اصلاح شبکه بهداشتی - درمانی کشور، اصلاح ساختار تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اصلاح ساختار و تقویت نظام بیمه درمان کشور، ساماندهی شبکه اورژانس کشور، تقویت و توسعه همکاریهای میان بخشی، برقراری نظام ارجاع، ارتقای امنیت غذا و تغذیه، اصلاح نظام دارویی بودند.

با توجه به نقش اساسی داروها در پیشگیری و درمان بیماریها و تأمین بهداشت و سلامت جامعه، سیاست ملی دارویی هر کشور جایگاه ویژه ای در ساختار سیاستهای ملی بهداشتی آن کشور دارد. در همین راستا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است با تدوین و پایش سیاست ملی دارویی کشور زمینه های لازم را برای ایجاد نظام دارویی متناسب با شأن مردم ایران و نظام بهداشت و درمان کشور فراهم و از طریق اعمال مقررات و سیاستهای نظارتی این اطمینان را ایجاد کند که کلیه داروهای موجود در بازار داروی ایران از کیفیت، سلامت و کارایی کافی برخوردار هستند. ضمن آنکه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، باید امکان دسترسی بیماران را به کلیه داروهای «فهرست داروهای ایران» فراهم کند. بیماران باید قادر باشند با پرداخت حداقل هزینه ممکن داروهای مورد نیاز را برای درمان بیماری خود تأمین کنند. همچنین این وزارتخانه باید از طریق فراهم کردن زمینه های آموزش کافی برای اعضای گروه پزشکی، تجویز منطقی داروها را ترغیب کند و از طریق همکاری با رسانه های جمعی تأثیرگذار بر فرهنگ و رفتار مردم از طریق ارائه اطلاعات صحیح و کاربردی زمینه مصرف منطقی داروها توسط بیماران را فراهم کند و در مورد خطرات مصرف غیرمنطقی داروها به مردم هشدار دهد.

کتاب بهداشت و درمان؛ کاهش تصدی گری، افزایش خدمات که در مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران منتشر شده و با بهای ۲۰۰۰ تومان در اختیار علاقه مندان است، همانطور که گوشه ای از آن را مطالعه کردید، سعی کرده ضمن طرح زمینه های قانونی بخش مورد ارزیابی نگاهی به گذشته وضعیت بخش و نیز تغییراتی که در طول برنامه با آن مواجه شده است، همراه با توصیف برخی از طرحهای مهم بخش و مقالات تخصصی و تحلیلی و مصاحبه با دست اندرکاران و کارشناسان، نوعی ارزیابی بی طرفانه و منصفانه از عملکرد دولت در برنامه پنج ساله ارائه شود.

رفاه اجتماعی، گامی به پیش

مطابق اصل بیست و نهم قانون اساسی، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی و دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

مطابق این اصل، تأمین اجتماعی به منزله حمایتی به شمار می آید که جامعه در قبال پریشانی های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده توسط قطع یا کاهش شدید درآمد افراد ناشی از بیماری، بارداری، حوادث و بیماری های ناشی یا غیر ناشی از کار، بیکاری، از کار افتادگی، سالمندی و فوت و همچنین در قبال جبران هزینه های درمان و نگهداری خانواده (عایله مندی) به اعضای خانوار خود ارائه می دهد. به عبارتی تأمین اجتماعی هدفی دو وجهی را دنبال می کند. از یک سو زمینه ساز توسعه و رشد اقتصادی است و از سوی دیگر هدف توسعه نیز هست.

برنامه سوم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) در فصل پنجم خود با تفصیل بیشتری نسبت به دو برنامه قبل تحت عنوان «نظام تأمین اجتماعی و یارانه ها» به مبحث تأمین اجتماعی پرداخته است. ده ماده برنامه به این بخش اختصاص یافته و در این میان توجه خاصی به پوشش های بیمه ای شده است. اهدافی که در برنامه سوم توسعه برای بخش تأمین اجتماعی بیمه ای ملحوظ شده، همراه با پیش بینی تدابیر و اقدامات اجرایی است که دولت موظف به اجرای آنها شده است. جهت گیری های اصلی بخش تأمین اجتماعی براساس لایحه سوم به این شرح است: فراگیر شدن نظام تأمین اجتماعی، که برای رسیدن به این منظور می توان راه حل های زیر را برگزید: بهره مندی کلیه بیمه شوندگان از خدمات بیمه همگانی و بیمه های مضاعف، تأمین صد درصد هزینه بیمه همگانی و مکمل جانبازان و درمان خاص آنان، افزایش خدمات قابل ارائه به بیمه شدگان، طراحی ساختار سازمانی مناسب نظام تأمین اجتماعی، افزایش بازده سرمایه گذاری ها و کاهش هزینه های جاری صندوق های بیمه ای به منظور بهبود اجرای تعهدات، ایجاد رقابت در مؤسسات بیمه ای برای ارتقای کیفیت و کمیت خدمات.

تلاش دیگری که در تأمین اجتماعی به چشم می خورد، تحول در شاخص های آن بود. طوری که درصد جمعیت تحت پوشش بیمه درمان در سال ۸۲ به ۹۷/۲ درصد رسید. تصویب قوانین جدید مانند اصلاح پاره ای از مقررات باز نشستگی و نیز بیمه قالیبافان و بافندگان گلیم و قانون بیمه اجباری رانندگان حمل و نقل بار و مسافر بین شهری هم از مواردی است که موجب ارتقای سطح پرداخت های مستمری بگیران شده و گسترش پوشش های جدید بیمه ای را امکان پذیر کرده است.

در کل می توان گفت: روند کلی شاخص های موجود نشان می دهد در طول برنامه سوم نابرابری ها کمتر شده و رفاه و توسعه انسانی بهبود و صرفاً نابرابری شهر و روستا اندکی افزایش یافته است اما در عین حال وضعیت فقر کشور با توجه به منابع طبیعی و انسانی آن قابل پذیرش نیست. به همین دلیل سیاست های فقر زدایی در اقتصاد ایران باید با عزم و جدیت بیشتری دنبال شود تا توزیع ناشی از منافع رشد اقتصادی میان گروه های مختلف درآمد به ویژه اقشار کم درآمد بتواند بهبودی اساسی در وضعیت رفاهی آنان ایجاد کند. رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اقتصادی مقوله ای است که تحت تأثیر عوامل متعددی است و بهبود هر یک از آن عوامل می تواند در ارتقای شاخص درآمدی و شاخص توسعه انسانی مؤثر باشد.

بخش عمده ای از مسائل مربوط به فقر و نابرابری ناشی از محرومیت از قابلیت ها و توانمندی های افراد یک جامعه است. درآمد یکی از دلایل اصلی محرومیت ها است اما رابطه ابزاری میان درآمد و قابلیت های انسانی نمی توانند علل بنیادی فقر را به نحو مناسب تبیین کند. فقر و نابرابری درآمدی می تواند از نابرابری در سایر شرایط زندگی شامل تندرستی، آزادی، جنبه های مختلف کیفیت زندگی تأثیر بپذیرد. یک فرد با درآمد بالا اما محروم از مشارکت های سیاسی در حالت معمولی فقیر محسوب نمی شود. اما بر حسب یک نوع آزادی مهم، آشکارا فقیر است. فردی که بیمه بیکاری دریافت می کند اما آرزوی داشتن شغل مناسب را دارد، فقیر است چون بیکاری جدای از مسائل مادی آثار منفی روانی بر فرد به جا می گذارد. به همین دلیل سازمان ملل شاخص فقر انسانی را برای کشورهای توسعه یافته براساس نرخ بیکاری بلند مدت به عنوان یک شاخص محرومیت اجتماعی محاسبه می کند.

خدماتی که وزارت رفاه در طول هشت سال اخیر ارائه داده است تنها منحصر به خدمات بیمه ای نیست و شاهد حمایت های غیر بیمه ای نیز از طرف این وزارتخانه بوده ایم. مواردی چون پیشگیری از بروز آسیبهای اجتماعی و معلولیت جسمی و روانی برای آحاد جامعه، فراهم آوردن تسهیلات لازم برای نگهداری افرادی که نیاز به سرپرستی و یا نگهداری دارند و فراهم آوردن زمینه بازتوانی و خود اتکایی آنان که در ماده ۳۸ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز ذکر شده است و برعهده بخش بهزیستی است. اعتبارات این بخش در طول برنامه سوم با آهنگی متناسب و اندکی بیش از شاخص تورم افزایش یافته است.

طوری که طبق آمار مجموع اعتبارات مصوب بخش بهزیستی در سال ۷۸ معادل ۵۱۹۴ میلیارد ریال بوده که در سال ۸۲ به ۱۳۱۷۲ میلیارد ریال رسیده است.

کتاب «رفاه اجتماعی، گامی به پیش» به ثبت و انعکاس بخش هایی از عملکرد وزارت رفاه طی دو دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی به همراه دیدگاه ها و ارزیابی هایی که می تواند تصویر شفاف تری از آنچه در این دوران گذشته، پرداخته است. این کتاب که گوشه هایی از آن را مطالعه کردید، در مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران به چاپ رسیده و با بهای ۲۰۰۰ تومان در کتابفروشی ها موجود است.

نگاهی به «کتاب جاز، پیدایش و سبک شناسی»

صدای سایدن حلقه های زنجیر

نیواورلئان جز، رگتایم، کلاسیک جز، سویینگ، کول جز، سول جز و... اصطلاح هایی هستند که در متن های اینترنتی یا روی جلد برخی سی دی ها که به دست مخاطبان ایرانی می رسد، بسیار دیده می شود. اما واقعیت این است که افراد بسیار اندکی از تفاوتهای این سبک ها از یکدیگر و خصلت های موسیقایی هر کدام از آنها آگاه هستند. حتی تشخیص تفاوتهای دو سبک جز و بلوز برای بسیاری از شنوندگان ایرانی دشوار است و وقتی که جریان ورود این موسیقی به کشور سیر طبیعی خود را طی نکرده، ناشناخته ماندن این سبک از موسیقی چندان دور از انتظار نیست.

این روزها که در برخی فروشگاههای موسیقی امکان تهیه آثار جز وجود دارد، نوارها و سی دی ها این سبک جزو کم فروش ترین آثار طبقه بندی می شوند و شنیدن خبر اجرای یک کنسرت جز در یک آموزشگاه یا سالن بسیار کوچک نیز اتفاق نادری است.

کتابی که به تازگی با عنوان «کتاب جاز، پیدایش و سبک شناسی» منتشر شده در میان این گمنامی موسیقی جز در کشور، رویداد منحصر به فردی بود. این کتاب اولین کتاب چاپ شده به زبان فارسی است که منحصراً به موسیقی جز می پردازد و زیرشاخه های مختلف و سیر تحول این موسیقی را معرفی می کند.

کیوان میرهادی در پیشگفتار کوتاه این کتاب به ناشناخته ماندن این موسیقی اشاره می کند و می نویسد: «گروههایی که در نیمه اول دهه پنجاه شمسی در ایران به اجرای برنامه پرداختند، دوشادوش موسیقی کلاسیک غربی در شناساندن «جاز» به ایرانی ها تأثیر گذاشتند. برنامه های رادیویی و تلویزیونی نیز به سهم خود در تبلیغ و حمایت «جاز» در حد جامعه ایران آن زمان نقش داشتند. چیزی در این میان گم بود و آن نبود مرجع رسمی تدریس و کرسی آموزش «جاز» در آکادمی های موسیقی و مراکز تحصیل عالیه بود که باعث شد این ژانر همچنان تا زمان حاضر در مملکت مامهجور بماند. قصه دهه های ۶۰ و ۷۰ نیز حکایت از ناشناس ماندن کامل «جاز» در اذهان نسل های جدید پس از انقلاب دارد.»

«کتاب جاز» نوشته نیوشا بقراطی در دو فصل «پیدایش و شکل گیری جاز» و «سبک شناسی جاز» در ۲۸ بخش نوشته شده است.

بقراطی در این کتاب، تاریخ موسیقی جاز را از زمانی شروع می کند که آفریقایی ها هنوز در قاره خود زندگی می کردند و مجبور نشده بودند به عنوان برده به قاره جدید منتقل و از ریشه های خود دور شوند. در دو بخش اولیه کتاب، اطلاعات کاملی از وضعیت سیاهان آفریقا، آغاز برده داری و قوانین آن، شیوه انتقال برده ها و شرایط کار آنها در قاره آمریکانوشته شده است چرا که «صادرات برده از قاره سیاه به «دنیای نو»، تنها ارتباط میان این دو سرزمین بود. ارتباطی که همچون زنجیری دو قاره را به یکدیگر متصل می کرد و صدای ساییدن حلقه های این زنجیر، بذرافشان یکی از عالی ترین ژانرهای موسیقی امروز شد ولذا درکی کلی از پدیده برده داری و تجارت برده نه تنها در فهم «جاز» لازم است، بلکه حیاتی می نماید.» (صفحه۱۴)

در بخش اول کتاب رویدادهایی نظیر تأسیس نخستین قلعه اروپایی در سواحل گینه در سال ۱۴۸۲ ، سلطه سرجان هاوکینز بر برده داری در نیمه اول قرن شانزدهم، درخواست اسقف اعظم اسپانیا برای دادن مجوز وارد کردن ۱۲ برده سیاهپوست از آفریقا به هر شهروند اسپانیایی مقیم هائیتی و جزئیات دقیقی از شرایط نقل و انتقال برده ها در انبار کشتی ها عنوان شده است.

برده های آفریقایی در آمریکا در شرایطی زندگی می کردند که هیچ امکانی برای حفظ فرهنگ بومی خود یا حتی پدید آوردن فرهنگی تازه در تعامل با فرهنگ اربابان خود نداشتند چرا که معنایی بیش از یک ابزار کار برای آنها در آن دوران قابل تصور نیست. اما با لغو برده داری در سال ۱۸۶۵ اولین زمینه ها برای شکل گیری موسیقی سیاهان در قاره آمریکا به وجود آمد. اما نمی توان تولد موسیقی جز را با لغو برده

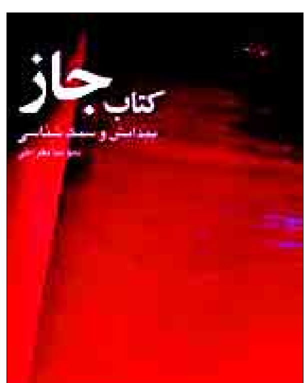

داری دقیقاً همزمان دانست: «در طول نزدیک به سه دهه (از ۱۸۶۵ تا اوایل دهه ۱۸۹۰) موسیقی در میان آنها شروع به رشد کرده بود و فرم های نخستین آن که البته با آنچه بعدها «جاز» نامیده شد، دارای تفاوتهای فاحشی بود، به طرزی خام و بدوی در گوشه و کنار به گوش می رسید. برای مدتی نزدیک به بیست سال، موسیقی سیاهپوستان با تکیه اساسی بر «وکال» اجرا می گشت و این معلول دلیل بسیار ساده ای بود: «آنها قدرت خرید ساز را نداشتند.» (صفحه ۳۱)

پس از گذشت این دوران، سیاهپوستان با شیوه های گوناگون مانند گدایی، قرض، دزدی، خرید سازهای دست دوم و یا تصاحب سازهای بادی بر جا مانده از ارتش شکست خورده جنوب برای اولین بار چیزی غیر از صدای خود برای تولید موسیقی پیدا کردند. با این حال هنوز نمی دانستند چه چیزی می خواهند بنوازند. سالها محصور ماندن در آوازهای کار و مذهبی، ریشه های هر نوع خلاقیتی را در درون آنها گم کرده بود و نیاز به یک غبارروبی طولانی داشت که این روند حدود یک نسل طول کشید تا نخستین ملودی های جز به ابتدایی ترین شکل در سالهای پایانی قرن نوزدهم در گوشه و کنار شنیده شد.

«سیاهان زجرکشیده که دیگر مصمم بودند در زیر سایه آزادی دیریافت و ارزشمند خود، لحظه لحظه های تنفس آزاد را با طنین موسیقی به جشن بنشینند، بی تأمل به تک تک این الگوها چنگ می انداختند تا شاید که موفق به بیرون کشیدن موسیقی خود از میان آنها شوند.» (صفحه ۳۵)

در بخش «تکوین جاز اولیه» کتاب ابتدا به موسیقی سیاهان در سالهای برده داری که تنها در قالب «آوازهای کار» وجود داشت پرداخته می شود. در این بخش علاوه بر سیر تحول موسیقی برده های آزادشده، تغییرات اجتماعی آمریکا و رشد و شکل گیری بندر نیواورلئان که بعدها به عنوان محل تولد موسیقی جز شناخته شد نیز مورد بررسی قرار می گیرد. در واقع نیواورلئان به این دلیل توانست زادگاه موسیقی جز باشد که در دوران برده داری، اربابان این منطقه آزادی های بیشتر برای سیاهپوستان قائل بودند و آنها می توانستند در شبهایی از هر هفته در میدان کنگو جمع شوند و با کوبیدن بر قوطی کنسروها و بشکه های خالی، همراه با خواندن آواز به اجرای موسیقی بپردازند.

پس از لغو برده داری، سیاهان این منطقه بودند که برای اولین بار گروههای موسیقی بادی - برنجی تشکیل دادند: «سیاهان به طور غریزی بر آن شدند تا نحوه (آواز) خواندن خود را بر روی ساز تقلید کنند. بدین منظور، سه ساز برای سیاهان به طرزی خودکار به عنوان سازهای کلیدی و مطلوب از اهمیت ویژه ای برخوردار شد: کلارینت برای صداهای زیر، کرنت جایگزین صداهای متوسط و ترومبون عرضه کننده صداهای بم و عمیق شد. این نوع رویارویی با موسیقی که کم سابقه و تا حدی بدوی به نظر می رسد به علت بهره مندی سیاهان از افکت های صوتی خاص در ترانه خوانی و متعاقباً با سعی در تقلید آن در نوازندگی «جاز»، بعدها باعث خلق وجوه خاص و متمایزکننده این نوع موسیقی در میان سایر ژانرهای موزیک گشت.» (صفحه۵۴)

تغییر شکل موسیقی سیاهان از مارش به جز در آخرین دهه قرن نوزدهم روی داد. این تغییر زمانی اتفاق افتاد که ساختار ملودیک موسیقی آنها از یک سو تقویت شد و از سوی دیگر بداهه نوازی های فردی و جمعی که امروزه به عنوان شالوده اصلی موسیقی جز شناخته می شود، شکل گرفت.

بقراطی در دو بخش بعدی کتاب خود که به «پیشگامان جاز» و «فراگیر شدن جاز» اختصاص دارد ابتدا به نامهایی که به عنوان اولین «جزمن»ها و سلطان های جز شناخته می شوند می پردازد و سپس به نخستین تورهایی که این افراد در شهرهای مختلف اجرا کردند اشاره می کند که موجب آشنایی مردمان مناطقی غیر از نیواورلئان با این موسیقی شدند: «درست هنگامی که تعدادی از موزیسین ها، خود را با شرایط جدید زندگی در نیواورلئان وفق داده بودند، دست روزگار، حادثه تلخ اقتصادی دیگری را برای آنان تدارک دید. صنایع تولید پنبه - که اصلی ترین زمینه ارتزاق لوییزیانا به شمار می آمد - در اثر حمله آفت به کشتزارها در سال ۱۹۲۱ ، دچار رکودی ناگهانی و غیرقابل باور گشت. فقر، سایه سیاه خود را بر نیواورلئان افکند و به مدت بیش از سه سال، عملاً چرخ های اقتصادی لوییزیانا را از حرکت بازنگاه داشت. در طول این دوره مشقت بار، صدها هزار نفر از اهالی جنوب، سیاه و سفید، به امید یافتن کار بهتر و درآمد بیشتر، راه شمال را در پیش گرفتند. این خیل عظیم مهاجران نیواورلئانی، شهروندان مقیم شیکاگو را تدریجاً با موسیقی جذاب و غنی خود آشنا کردند و بدین طریق زمینه انتقال تمرکز «جاز» از نیواورلئان به شهرهای شمالی و خصوصاً شیکاگو فراهم شد.» (صفحه۷۹)

در فصل دوم کتاب که به «سبک شناسی جاز» اختصاص یافته ابتدا دریک بخش: «نگاهی گذرا به تاریخ جاز» ارائه شده و سپس در ۲۱ بخش بعدی زیرشاخه های مختلف این موسیقی مورد بررسی قرار گرفته است. در این ۲۱ بخش می توان به تاریخچه ای از شکل گیری، رشد، افول و بزرگان سبک های جزآوازین، رگتایم، نیواورلئان جز، کلاسیک جز، پیانو بلوز، سویینگ و دوران بیگ بند، مین استریم جز، جامپ بلوز، کول جز، هاردباپ، سول جز، جز آزاد، جز - راک، اسیدجز، جز - رپ، جز برزیلی و لاتین جز دست یافت. هر چند در این بخش بیشتر با نگاهی تاریخی به هر یک از سبک ها پرداخته شده و به توضیحی اندک درباره ویژگی های موسیقایی هر یک از آنها بسنده شده است اما مجموعه ای را پیش روی خواننده قرار می دهد که گوشه های بسیاری از تاریخ موسیقی جز را خواهد شناخت.

«کتاب جاز» در واقع، اولین تاریخ نگاری این موسیقی به زبان فارسی است که علاوه بر نشان دادن شاخصه های هر سبک از موسیقی جز به بررسی شرایط اجتماعی و عوامل اجتماعی حاکم بر این موسیقی نیز می پردازد: «شیکاگویی که «جاز» در آن جریان داشت، شیکاگوی «اسکار فیس آل کاپن» بود، شیکاگوی منع خرید و فروش الکل، پول آسان و بدون مالیات، گانگسترهای ولخرج، سالن های رقص و کلوپ های شبانه.» (صفحه ۸۷)

معرفی کتاب

گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه

کتاب حاضر که نوشته دانیل لرنر است و غلامرضا خواجه سروی آن را ترجمه کرده است، بر سرعت شکسته شدن جوامع سنتی تأکید می کند.

در حالی که این شکسته شدن ضرورتاً با مؤلفه های مدرنی چون رسانه، تجارت، صنعت، سواد و ... همراه نبوده است. مقایسه میان جوامع مدرن غربی و جوامع متشتت خاورمیانه ای، نویسنده را به آنجا می کشاند که تباین ذاتی میان دو فرهنگ را براساس عنصر «شجاعت» و «ابتکار» تحلیل و تفسیر کند. از نظر وی آنچه برای تسریع روند نوسازی در خاورمیانه نیاز است، فرهنگ ابتکار است که بستر زایش این فرهنگ در خاورمیانه وجودندارد. وانگهی واردکردن آن نیز ممکن نیست. با این حال واقعیت هایی از جهان مدرن در خاورمیانه بروز و رسوخ کرده است. لرنر در بررسی خود طیفی را به تصویر می کشد که یک سر آن سنتی ها و سر دیگر مدرن ها قرار دارند و درمیان آن «انتقالی ها» واقع شده اند که تاحدی با مدرن ها همراه هستند اما فاقد اجزای لازمه زندگی به سبک مدرن هستند.

کتاب «گذر جامعه سنتی : نوسازی خاورمیانه» در پژوهشکده مطالعات راهبردی به چاپ رسید و

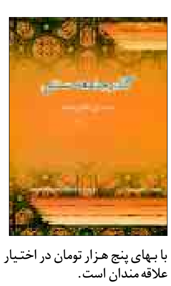

با بهای پنج هزار تومان در اختیار علاقه مندان است.

استراتژی توسعه صنعتی کشور

عملکرد بخش صنعت حاصل تعامل نسبتاً پیچیده عوامل مختلف سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و حتی فرهنگی است که تنها با چیدمانی خاص از مجموعه این عوامل تبدیل به توسعه صنعتی می شود. استراتژی توسعه صنعتی به دنبال تنظیم این چیدمان است. توسعه صنعتی به عنوان مرحله ای از توسعه اقتصادی ، و نه توسعه یک زیر مجموعه از بخش های مختلف اقتصادی، از طریق دستیابی به فناوری های پیشرفته ، ارتباط با بازارهای بزرگ و سازماندهی

مدرن بخش خصوصی ، منجر به بهبود سطح رفاه جامعه می شود. «مجموعه مطالعات طرح تدوین استراتژی توسعه صنعتی کشور» با چنین رویکردی تهیه شده و اکنون در قالب کتاب «استراتژی توسعه صنعتی کشور» به دست چاپ سپرده شده است.

کتاب استراتژی توسعه صنعتی کشور که با تلاش مسعود نیلی و همکاران تهیه و تألیف شده است ، در مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف به چاپ رسیده و با جلد شومیز به بهای پنج هزار تومان و با جلد گالینگور به همراه CD با بهای ۶۲۰۰ تومان در اختیار علاقه مندان است.

گفتمان های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

درجهان کنونی امنیت ملی همه اهداف و سیاست های هر کشور خاص را تحت تأثیر خود قرار داده است به گونه ای که فعالیت بخش مهمی از نخبگان سیاسی و فکری هرکشور معطوف به این مسأله است. کتاب حاضر ضمن بررسی گفتمان های سنتی امنیت (سه برداشت واقعگرایانه، آرمانگرایانه و نهادگرایانه) و انگاره های مدرن و حتی پسامدرن در پی آن است که دو محور اساسی را پوشش دهد: بررسی تحولات مفهومی در ملاحظات امنیت ملی کشور و تطبیق آن ملاحظات با سالهای مختلف حیات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران. بدین منظور سه گفتمان «بسط محور»، «حفظ محور»، و «رشد محور» متناسب با غلبه هرکدام از این گفتمان ها در دوره ای خاص، مورد بحث ، بررسی و تحلیل قرار گرفته اند. این کتاب به دلیل پیوند و تطبیق دو حوزه نظری و عملی و نیز جامع الاطراف بودن موضوعی آن در پرتو توجه و نظرداشت به آثار موجود در حوزه امنیت ملی ایران است.

کتاب حاضر که نوشته سیدحسین ولی پور زرومی است ، در پژوهشکده مطالعات راهبردی به چاپ رسیده و با بهای چهارهزارتومان در اختیار علاقه مندان است.